

شرکت هیات نمایندگی کمیته مرکزی سازمان در هجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در صفر ۱۱ در صفر ۱۱ چشم انداز نوید بخش در جنبش فلسطین در صفر ۱۱

بحران خلیج فارس و ضرورت تشدید مبارزه علیه ادامه جنگ در آخرین روزهای اردیبهشت ماه، یک رزمنا و آمریکا بی مجزبه موشکهای هدا پیت شونده در نزدیکی های بحرین در خلیج فارس، توسط هواپیماهای عراقی با موشک مسور حمله قرار گرفت. در اثر این حمله رزمنا و موزور به شدت آسیب دید و ۳۷ نفر از ملوانان آن کشته و تعدادی نیز مجروح شدند. بدنبال این رویداد دبیر سابق خلیج فارس، کشتی های جنگی آمریکا وارد منطقه شدند. بر اثر اظهارات مقامات پنتاگون، خبر حمله شکاری های عراقی به رزمنا و یک آواکس به ناخداي کشتی آمریکایی داده بود. پنتاگون علت عدم واکنش رزمنا و آواکس به سلاحهای پیشگام از حمله نیز مکتوب بود. اعلام کرده است.

بدنبال این حادثه دریگان به نیروهای جنگی آمریکا در خلیج فارس آماده باش فوق العاده داد و وزیر دفاع آمریکا اعلام کرد که این حادثه برادامه حضور ناوگان جنگی آمریکا تا شیریندار و دولت آمریکا همچنان به حضور نظارتی خود در خلیج و حما بیست از متحدان خود در آن منطقه ادامه خواهد داد. اندکی پس از این رویداد، عراق طی بیانیهای اعلام کرد که حمله به ناو جنگی آمریکا در اثر اشتباه هواپیماهای عراقی صورت گرفته است. قبل از حادثه فوق، دو کشتی تجاری اتحاد شوروی نیز طی دو حادثه جنگی جداگانه آسیب دیدند. در اولین مورد یک کشتی تجاری شوروی که مصالح ساختمانی حمل می کرد، مورد حمله هوایی قرار گرفت. هنوز هیچ دولتی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است. دومین مورد ناو کادمیک نفتکش شوروی که در اجاره کویت است، با یک مین دریایی در نزدیکی ایسوا حمله کویت بود. حمله به کشتی های تجاری شوروی نمونه بارز تشنج آفرینی های این جنگ ارتجاعی در منطقه است.

تقریباً همزمان با حوادث فوق، صدام حملات هوایی علیه موسسات اقتصادی ایران را با رادیکالتر سرگرفت و هواپیماهای عراقی بار دیگر تاسیسات نفتی ایران در اصفهان، تبریز و مینا طلق جنوبی ایران را بمباران کردند. همچنین نبردهای دریایی ناوگان های جنگی دو کشور افزایش یافت. حادثه رزمنا و آمریکا بی آخرین حلقه از زنجیره حوادث شومی است که طی روزهای اخیر در خلیج فارس روی داده است. این حوادث وضع خلیج فارس را مشتت کرده و خطر گسترش آن منته جنگ را در منطقه افزایش داده است. در این رابطه شوروی حمله به کشتی های تجاری شوروی و بیوزده حادثه رزمنا و آواکس را باید مکتب نمود؛ این حادثه صرف نظر از آنکه به چه دلیل و چگونگی روی داده است، علیه آرام سازی اوضاع در منطقه و در خدمت افزایش تشنج در آن و پیشرفت نقشه های آمریکا در خلیج فارس است. چرا که امپریالیسم آمریکا از هر حادثه ای در خلیج فارس در جهت تشنج فزاینده و حضور موثر نظامی خود در منطقه بهره می گیرد. آخرین نمونه آن، استقبال بیدریسنگ دولت ریگان از تمهیدات دولت کویت در برابر بیسرس شهیدان فزاینده رژیم خمینی علیه خطوط کشتیرانی آن کشور است.

رهبران جمهوری اسلامی بخوبی آگاهند که ادامه جنگ و گسترش آن به سراسر کشورهای منطقه، امپریالیسم آمریکا را به صدام خله بیشتر در امور داخلی کشورهای منطقه و تحکیم حضور نظامی خود، در آن سوق داده و میدهد و لسی آنها از ماجراجویی و سیاست تجا و زکارانه خود دست برنمی دارند. راه واقعی پایان دادن به وضع کنونی در خلیج فارس، قطع فوری جنگ و خروج نیروهای نظامی کشورهای امپریالیستی از منطقه خلیج فارس و پدیری بقیه در صفر ۲

اتحاد شوروی خواهان قطع پیدرتنگ جنگ شد در صفر آخر

برای نجات جان زندانیان سیاسی متحد شویم! ماه گذشته سازمان عقوبین المللی گزارش مفصلي درباره کارنامه سپاه پاسفالی حقه وق انسانی در جمهوری اسلامی منتشر ساخت. این گزارش گوشه ای از زنجاریاتی را که در فراموشخانه های رژیم خمینی علیه هزاران مین میهن دوست ایرانی صورت می گیرد، منعکس کرده است. در این گزارش به گوشه ای از زنده های رایج در جمهوری اسلامی نظیر نقض حق انتخاب و کیل، حق فرجام خواهی برای زندانیان سیاسی، گرفتن اعتراف از زندانیان بوسیله وحشیانه ترین شکنجه ها توسط با زجویان، محاکمات چند دقیقه ای در دادگاه های "شرح" که محکومیت های طولانی و یا اعدام را بدنبال دارد، اشاره شده است. در این گزارش پس از شرح انواع شکنجه های دهمشانه در زخمیان خمینی و نقل گزارش های از تکان دهنده از زبان زندانیان سیاسی ایران و نیز تمهیدات آفرینانه در زندانها، ازبایهای متورم و مجروح آنها و آثار شکنجه بر روی زندانیانی که بر اثر شکنجه معلول شده اند، چاپ شده است. نماینده این سازمان در آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی که بدنبال انتشار این گزارش برگزار شد، اعلام کرد: ما هزاران مورد اعدام را ثبت کرده ایم که رژیم جمهوری اسلامی به ۷ هزار مورد از آنها رسماً اعتراف کرده است. ولی سازمانهای

درباره قانون "مکتبی" کردن ارتش

ماه گذشته، سردودم بحث پیرامون "طرح قانونی ارتش جمهوری اسلامی ایران" در مجلس خمینی جریان داشت. این طرح کام دیگری است در جهت پیشبرد نقشه های ارتجاعی رژیم در ارتش. رژیم خمینی از نخستین روزها کمیتش تا کنون تلاش بمنظور استقرار مبنای ارتجاعی ارتش را در جهت تبدیل نیروهای مسلح به مجری نیات ولی فقیه را دنبال کرده است. تفسیرهای گسترده، ایجاد دود آبرسیسی، ایدئولوژیکه گسیل آخوندها و روحانیون طرفدار خمینی به درون ارتش، تبلیغات همه جانبه برای شستشوی مغزی سربازان و پیرسبل کار، برقراری اجباری مراسم مذهبی، تصویب شده در ارتش، ایجاد سنس ارتجاعی رژیم شاهنشاهی نظیر اطاعت کورگورانه و منع دخالت ارتشیان در امور سیاسی، از جمله اقداماتی است که رژیم جهت تسلط بر ارتش و قرار دادن آن در برابر خلق بکار گرفته است. برآی پیشبرد این سیاست، رژیم سرکوب وحشیانه مبارزه انقلابی و صلح طلبانه بر سرنل ارتش، و فریضاندن روح مبارزه جویی ناشی از انقلاب بهمین راه شدتی روزافزون دنبال کرده است. اما مجموعه این تلاشها هنوز نتوانسته است ارتش را به ابزار مطمئن حکومت آخوندها بدل کرده و اطمینان و رضایت آنها را جلب نماید. رژیم در پیبشبرد سیاست "مکتبی کردن" ارتش از یکسویا مقاومت سربازان و پیرسبل انقلابی و سوی دیگر با رکنتی بقایای افسران سلطنت طلب که در رویای دوران گذشته و تبعویض نظم آخوندی با نظم شاهنشاهی برمی برند، مواجه است. اینک رژیم با تصویب طرح تازه در مورد ارتش می کوشد سیاستهای ارتجاعی خود در نیروهای مسلح را قانونیت و استحکام بیشتری ببخشد. اصول اساسی این طرح مکتبی بر همان سیاست ارتجاعی گذشته رژیم است که اکنون بطور آشکار تر پدید آمده - بوشی مورد تاکید قرار گرفته است. در "طرح قانونی ارتش" تصریح شده است که "در تشکیل و تجهیز ز بقیه در صفر ۴

بین المللی معتقدند که تعداد اعدام شدگان بیش از اینهاست. کودکان ۱۱ ساله، پیر مردان و بیسر زنانی که در همه جای اسلامی فشار آورند تا به اعمال عفو می شوند، در جمهوری اسلامی اعدام شده اند. سازمان عقوبین المللی از جهان نیان دعوت کرده است که به جمهوری اسلامی فشار آورند تا به اعمال وحشیانه خود علیه زندانیان سیاسی پایان دهد و به جمهوری اسلامی نیز پیشنها دکرده است تا "همه زندانیان سیاسی ایران بدون قید و شرط آزاد شوند، رژیم خمینی از بیگرد و دستگیری مخالفین عقیدتی خود دست بردارد، به زندانیان سیاسی مطالب حق قوانین بین المللی حق دفاع، انتخاب و کیل و فرجام خواهی داده شود، همه دادگاه های "شرح" منحل و مسیاق های بین المللی در مورد حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی پذیرفته شود، رژیم خود را با قوانین و موازین بین المللی منطبق کند، هرگونه شکنجه در زندانها قطع شود و اجازه تحقیق و کشتن در این زمینه به سازمانهای بین المللی داده شود.

انتشار گزارش "سازمان عقوبین المللی" که منعکس کننده گوشه هایی از جنایات وحشیانه رژیم قرون وسطایی خمینی بود، در سطح جهان بازتاب وسیعی یافت. بدنبال انتشار این گزارش سفارت جمهوری اسلامی در لندن و سپس وزارت خارجه رژیم شتاب زده دستباز اعلامیه های منتشر کردند و با کمال وقاحت هرگونه شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران را تکذیب کردند. در پایان این تکذیب نامه های ردیبلانه تا کید شده بود که البته جمهوری اسلامی با کسائی که علیه این نظام مبارزه می کنند برخورد قاطع می کند.

واقعیت آن است که مبارزه قهرمانانه زندانیان سیاسی در زندانهای رژیم و از جمله اعتصاب غذا و پیروزمندانه تها دردی ماه سال پیش، افشاکری های سازمانهای انقلابی در داخل و خارج کشور در سطح بین المللی، مبارزه یکپارچه خانوادگی های زندانیان سیاسی و فشار افکار عمومی در میهن و در جهان، حاکمیت آبرو باخته خمینی را درمانده و مستاصل کرده است. پس از اعتصاب غذا قهرمانانه زندانیان سیاسی - انصاری "سرپرست زندانیان رژیم در صا حبه مطبوعاتی گفت: "من بعنوان یک مسئول، کلیه اما را بر اقام تا تکذیب می کنم و معتقدم که زندانی های مادر نوع خودبی نظیر است. از آنجا که در سایر بقیه در صفر ۲

استمداد مجدد رفسنجانی از آمریکا

رژیم خمینی با شتابی روزافزون سیاست سازش با امپریالیسم آمریکا و جلب حمایت موثر صا قائل حاکمه ایالات متحده را پیش می برد. سرمداران رژیم، از خمینی گرفته تا امام جمعه ها و سایر دست نشاندگان او هر چند هنوز در تبلیغات خود علیه "شیطان بزرگ" خط و نشان می کشند، برخاشگری می کنند و جوجال برآه می اندازند، اما از برای گردوغباری که بیامی کنند، همچنان چراغ سبز نشان می دهند، بیامی فرستند و زیوانه آماجگی خود را برای کناره آمدن با "شیطان بزرگ" و زدودن مجدد با آن اعلام می دارند. در این میان، کسایژ تبلیغاتی و هیاهوی "فدا امپریالیستی" تنها برای فریب دادن توده های مردم و پرده بوشی سیاست سازشکارانه ای است که رژیم در برابر آمریکاد پیش گرفته است.

- بسی تدارک کنگره... در صفر ۶
- هزینه جنگ ستارگان... در صفر ۹
- چین در حرکت است... در صفر ۸
- در صفر ۷
- بیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خلق شوروی بمناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب اکثریت

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

برای نجات جان ... بقیه از صفحه اول

زندانیهای دنیا، کاراساسی و سازنده برای مجرمین صورت نمی گیرد، اینمساله آنها را به چشم او داشته است (روزنامه های ۶۵/۱۰/۲) و با وقاحت تمام ادعا کرد: ما مطلقا زندانی سیاسی نداریم... یک سلسله متخلفینی داریم که جنایاتی مرتکب می شوند.

واقعیت آن است که سردمداران جمهوری اسلامی که با شعار "مرگ برضولایت فقیه" واجب القتل بودن همه مخالفین را اعلام کرده اند، مذبحخانه می گویند و زندان و شکنجه و اعدام و بوردوغ و جمل حقایق، وجود منحوس خود را چندصاحبی دیگر بر مردم تحمیل کنند. رژیم خمینی برای ادا محاسبات نکبت با رخدومیجوراست تا با سیاهترین شیوه های ترور و خنثی، هزاران تن از شریف ترین فرزندان خلق ایران را به بند کشد، شکنجه کند و اعدام نماید و هرگونه مخالفتی را با شدیدترین سرکوب یا سبک گوید. تنها در یک سال گذشته، تعداد کشتیوری از مبارزین انقلابی و در میان آنها صدها تن از اعضاء و کارهای سازمان ماستکثیرو شکنجه شده اند. رژیم برای کسب اطلاعات از دستگیرشدگان و برای آنکه آنان را وادار کنند عقاید خویش را انکار و سیاست و بدبختی ارتجاع حاکم را بید کنند، تا پای مرگ شکنجه شان می کند. تعدادی از این مبارزین زیر شکنجه های جلادان خمینی به شهادت رسیده اند. تاکنون نام ۲ تن از کارهای سازمان و تعداد دیگری از سازمانهای انقلابی که بدست دژخیمان رژیم به هلاکت رسیده اند، منتشر شده است. حتی گروه های سیاسی اسلامی و محافل پیرامون حکومت نیز از سرکوب و شکنجه دژخیمان حاکم مصون نمانده و تعدادی از فعالین آنها اعدام شده اند. تعدادی از زندانیان سیاسی کشور فقط در لائوس شده اند و هیچ نشانه ای از آنها در دست نیست. مبارزینی که اخیرا دستگیر شده اند از حق ملاقات با خانواده هایشان محرومند. اینک زندانیهای ایران اینا ششم از زمین پرستان است که پناه "گناه" آستان داشتن نظرات سیاسی مخالف با مبنای سیاسی عقیدتی جمهوری اسلامی است.

آمار دولتی تنها تیرایان ۱۶۵ مبارزان انقلابی در سال گذشته را تایید کرده است. در روزهای اخیر بازم اخباری مبنی بر اعدام مبارزین اسیر در زندانیهای ایران و شهرستانها منتشر شده است. رژیم به قصد انتقام جویی از زندانیان اعتراضی فشار در زندانها را تشدید کرده است. از سر نشو و نتعدادی از فعالین اعتصاب تاکنون هم خبری در دست نیست. آخرین نمونه مقاومت و مبارزه دسته جمعی زندانیان سیاسی علیه سیاست سرکوب و خفان حاکم بر زندانیان، اعتراض زندانیان سیاسی زندان کوهردشت کرج به شیوه ها و مقررات خشن اداره زندان و رفتار غیر انسانی زندانیان بود. جان هزاران زندانی سیاسی که به مرگ تدریجی در فراموشخانه های خمینی محکوم شده اند، آرزو و مرد جوان تا پیر مردان و پیر زنان و کودکان در معرض

خطر جدی است. کسانی که حتی دوران محکومیتشان به با نرسیده، در صورتی که به گفته سردمداران رژیم "توبه" آنان نژدها دستا و حاکم شروع وزارت اطلاعات محرز نباشد" آزاد نمی شوند. همه این حقایق بر ضرورت تشدید مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران، فرزندان قهرمان مردم ایران تاکید می کند.

ما از مردم مبارزان ایران دعوت می کنیم تا صدای اعتراض خود را برای نجات جان فرزندان اسیر خود، زندانیان سیاسی بلندتر کنند و نگذارند که دژخیمان ارتجاع به تبهکاری های پشت پرده خود ادامه دهند. مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه برای همه آزادی در میهن مان است. ما باید دستهای ناپاک و خونریز جلادان جمهوری اسلامی را از زبان فرزندان قهرمان خلق که برای صلح، آزادی و دفاع از حقوق زحمتکشان مبارزه می کنند، کوتاه کنیم. دست در دست هم دهیم و در صف واحدی شعار زندانیان سیاسی آزاد بگردیم. راه حریهای برنده علیه سیدادگری های رژیم خونریز و جنا پیکار خمینی سبیل کنیم.

از همه احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیت های ترقیخواه، دمکرات و انقلابی میهنمان دعوت می کنیم که برای نجات جان انقلابیون اسیر که با وابستگی های مختلف سازمانی و دیدگاه های متفاوت در یک جا و بدست یک دژخیم شکنجه می شوند، و در یک صف در برابر جوخه های اعدام قرار می گیرند، متحداً به مبارزه برخیزند. برای هدایت موثر این پیکار، ضروری است که اقدامات مشترکی برای دفاع از زندانیان سیاسی ایران صورت گیرد تا مبارزه در داخل کشور و فعالیت خانواده های زندانیان سیاسی را هماهنگ کند. لیست کاملی از نام همه مبارزین در دست، و انقلابیون مفقودالاشرف، تیرایان شکنان و اسیرانی که زیر شکنجه به شهادت رسیده اند، همراه با اسناد و مدارک به محافل ترقیخواه و دیپلمات بین المللی ارایه دهد، دادگاه های با حرکت حقوقدانان بین المللی برای محاکمه مسئولین رژیم جنایت پیشه خمینی تشکیل دهد. مدارکهای موثر دیگری در دست است. افشای رژیم خمینی در برابر افکار عمومی ایران، و جهان و منوروی ترک کردن آن برادران ما با دیدگاه زهمه احزاب سازمانها، شخصیت های انقلابی، مترقی و انساندوست سرسپران می خواهیم که در کنار مبارزه برای نجات جان هزاران میهن دوست ایرانی که در معرض خطر جدی است، به ما یاری رسانند. آگاهان و ندهندگان سیاسی که با "جرم" شان در زندانیهای واداشتن افکار مغایر اندیشه های پوسیده و ارتجاعی ولایت فقیه است قریباً بی سیاست ترور و اختناق ارگانهای سرکوبگر رژیم شوند. با نگ اعتراض علیه این خردسری ها را رساتر کنند و رژیم فقها را برای پایان دادن به این جنایات بی شرمانه تحت فشار بگذارند. این خواست بدران ما، مدران، زنان و نوجده و کودکان معمولی است که عزیزان شان در زندانیهای رژیم با مرگ دست بگیریا نند.

طرح پاسدار - دانش آموز

رژیم جمهوری اسلامی در راه تکمیل کادر مسوود نیا زسیا به پاسداران طرح جنا پیکارانه تازه ای با عنوان طرح پاسدار - دانش آموز ارائه داده است. بموجب این طرح ازال تحصیلی ۶۷ - ۶۶ سپاه - پاسداران افراد مدنظر خود را از میان دانش آموزان جذب خواهند نمود. برای جذب دانش آموزان به این طرح و پیوستن به سپاه امتیازات مادی و بیسزهای در نظر گرفته شده است. کسانی که به این طرح می پیوندند ما هیانه تا ۱۰۰۰۰ ریال و چهار نفر از افراد تحت تکلف آنها ماهانه ۵۰۰۰ ریال تلقی میگیرد. پس از پایان دوره دبیرستان در صورت ورود به دانشگاه با حلف سهمیه سپاه و در رشته های مورد نظر وی پاسدار، دانشجو و غیراً بصورت به کار در سپاه یا طبق خواسته گردید، آنها با یدعتهدیسای رند پس از پایان تکمیل حداقل ۵ سال در سپاه کار کنند. این طرح انگکاسی است از توانایی رژیم خمینی در جذب و تکمیل کادر مورد نیاز سپاه و همه جبهه های جنگ که وی را وادار نموده برای جذب جوانان به جنبش - امتیازات مادی متوسل گردد. مزایای کادر شرایط کنونی اقتصادی شور برای بسیاری از جوانان و خانواده آنها که فقر گران و بیگاری را بر سر کرده های خود احساس میکنند بر اهمیت و حتی در مواردی حیاتی است. انزوی روزافزون سپاه پاسداران رژیم رابه ارائه چنین طرحی واداشته است.

هدف دیگر رژیم از این طرح تحت نظر قرار دادن جوانان دوره دبیرستان، ششثوی مغزی و تسلیم آنها و آماده کردن آنان برای جنایات آینده است. سپاه پاسداران که به بازار عمده سرکوب رژیم خمینی، شکنجه و کشتار انقلابیون، سرکوب مبارزات کارگران، به خون کشیدن اعضا با و نظاهرات بوده تا تبدیل گردیده است به کارهای نیاز دار در کدها زنجوانسی انجام هرگونه جنایت اما دکای یافته باشند پذیرش انزوا از مردم، نفرت از آزادیخواهان، نفرت از انقلابیون و بندگی فقها و سرمایه داران به آموزش در زندت نیا زده.

رژیم با اجرای این طرح خواهد کوشید کنترل خود را بر مدارس وادارده آن برداشته و افزایش دهد در صورتی پاسدار دانش آموز پاسدار - دانشجو محروم تحصیلی اهرم دیگری جهت اعمال فشار بر جوانان و سرکوب مبارزات آنها خواهد بود. میبایست با افشا و اهدا فاین طرح در میان جوانان با منع از پیوستن جوانان نا آگاهی که ممکنست بخاطر منویهای مادی بدام افتند گردید. با ید آینده تاریکی را که پیوستن به سپاه را بر میسان خواهد بود برای آنان توضیح داد و با افشا ایسنت طرح در شرایط افراد حزب اللهی که در مدارس و روزافزون مردم ازسیا هیان این نقشه جنا پیکارانه رژیم را نیز با شکست مواجه ساخت.

بهران خلیج فارس ... بقیه از صفحه اول

عمان است. تا زمانیکه جمهوری اسلامی ایران جنگ را که به سود نقشه های تجا و زکارانه مبریا لیسم آمریکا در منطقه است، ادامه می دهد، واقع منطقه خلیج فارس همچنان مشتبه باقی خواهد ماند.

در مقابل بله با وضعی که در خلیج و منطقه پدید آمده فعالیت بین المللی برای خاتمه فوری جنگ شدت یافته است. در اس این فعالیت ها، تلاش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای استقرار صلح قرار دارد. در سه ماه گذشته فعالیت اتحاد شوروی کسبه هموار خواهد نمود. قطع فوری جنگ ایران و عراق و حل اختلافات دو کشور از طریق مذاکره بوده است. بسیاری پایان دادن به این فاجعه، گسترش یافته است. این فعالیت ها در مسافرت معاون وزارت خارجه اتحاد شوروی به منطقه خلیج فارس، در دیدار رهبران شوروی و سوریه و در موضعگیری فعال علیه ادمه جنگ چهره نمایی می کند. اتحاد شوروی همچنین می کوشد کسبه زمینه را برای یک اقدام موثر از جانب شورای امنیت سازمان ملل فراهم سازد.

"جامعه کشورهای عرب نیز خواهان قطع جنگ هستند. جامعه کشورهای عرب برای جلب حمایت اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل از خاتمه جنگا هیئت بلندپایه ای را مامور مذاکره با این کشور کرده است. آنچه اهمیت این تلاش کشورهای عربی را برجسته می کند، موافقت سوریه با آن است. علاوه بر این، کشورهای عربی کنفرانس کشورهای غیر متعهد نیز در آخرین نشست خود با صدور قطعنامه ای خواهان قطع جنگ ایران و عراق شده است. کنفرانس

کشورهای اسلامی نیز خواهان پایان یافتن درگیری

دو کشور است. همچنین با تئیده قطعنامه اخیر شوروی امنیت در رابطه با کاربرد سلاح شیمیایی از سوی عراق در جنگ اشاهر کرده در آن از زهر در طرف خواست است که به جنگ برپا به عدالت و شرافت پایان دهند.

جنگ ایران و عراق وادامه آن موجب تضعیف جنبش های آزادیبخش منطقه خواهد شد. قدرت مقابل بله خلق های عرب علیه اسرائیل شده است. روشن است که صهیونیست های اسرائیل و محافل امریکایی سیسی استیسی آن را با تغییر بی وضع مخالفند. ریگسار پس از حادثه رزمنا و امریکایی از پایان یافتن جنگ سخن گفت. ریچاردموری نیز در مسافرت اخیرش به منطقه در این جهت صحبت کرده بود. علیرغم ایسنت اظهارات، سیاست امبریا لیسم امریکا در منطقه ششخ آفرینی و تداوم شراژدی جنگ است. امریکسا بهره بردار اصلی این جنگ بوده تاکنون کوشیده است که به طرق مختلف طرفین جنگ را در جدی یاری رساند که بتواند به جنگ بدون پیروزی، ادامه دهد. آخرین اقدام ریگان در موافقت با تصمیم ایسیر دادگاه لاهه مبنی بر پرداخت ۴۵۱ میلیون دلار به ایران نیز در همین جهت تا شریخواه دیگر. اظهارات اخیر ریگان را می توان از سوی، واکنش امریکا در برابر ابتکار اتحاد شوروی برای قطع جنگ و تدارک کنفرانس بین المللی صلح در خاورمیانه و از سوی اقتضای "ایران گیت" دانست. علیرغم مخالفت امریکا و اسرائیل، فشار جهانی برای قطع جنگ افزایش یافته و موقعیت رژیم خمینی را در منطقه و جهان تضعیف کرده و آن را در ادامه جنگ با دشواری های بیشتری مواجه کرده است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

حلقه‌های اصلی بسیج توده‌ای کارگران

سازماندهی جنبش اعتراضی و مطالبات توده کارگران و ارتقاء آن به سطح مبارزه سیاسی علیه رژیم، ازبهرم ترین وظایف کمونیست‌ها میهن‌مست است. ارتقاء سطح این مبارزه درگرو آنتست که مطالبات و شعارهای جنبش توده‌ای کارگری ازحیطه منافع اقتصادی کارگران فراتر رفته و با مطالبات و شعارهای جنبش عمومی خلق پیوند یابد.

سازماندهی توده کارگران درتشکل‌های مستقل طبقاتی و بسیج توده‌ای آنها، حول میزم - ترین مطالبات و شعارهای جنبش کارگری و انقلابی بستر اصلی فراوایی جنبش مطالبات توده‌ای کارگران به مدارج عالیتر مبارزه انقلابی است. هرچه دامنه بسیج توده‌ای کارگران گسترده‌تر و تشکل طبقاتی آنها مستحکم‌تر باشد و هرچه پیوند طبقه کارگر با پیشروانش جدی‌تر باشد، نقشی و نقل طبقه کارگر در جنبش انقلابی مردمی وزین‌تر خواهد بود. تنها درحربان مستحکم مبارزه است که طبقه کارگر به یاری پیشروان خود رسالت و نقش یگانه ویی تبدیل خود را در هدایت جنبش عمومی خلق درمی یابد و ظرفیت سیاسی و انقلابی اش را نشان میدهد.

ملک انقلابی بودن سیاسی شدن طبقه کارگر، با میزان درکی که این طبقه از رسالت خودیمنانه طبقه رهبر پیدا میکند مشخص میگردد. لنین میگوید: "طبقه کارگر آن اندازه انقلابی است که ایده سرکردگی را بپذیرد." برای آنکه طبقه کارگر میهن ما ایده سرکردگی را بپذیرد، برای آنکه مقام خویش را یمنانه بپذیرد ترسیستن و انقلابی ترین طبقه جامعه گردد و نقش سبینه خود را در جنبش مردمی و انقلابی ایفاء کند، نخست باید ضرورت شرکت فعال، مستحکم و مستقل خود را در جنبش عمومی خلق در یابد و مطالبات و شعارهای خود را به اهداف و منافع صنفی و اقتصادی و مبارزه علیه این یا آن کارفرما و سرمایه‌دار محدود نکند.

سوق دادن توده‌های وسیع کارگران به مبارزه سیاسی مستحکم، نمیتواند بدون سازماندهی مبارزات صنفی ورفا هی آنان صورت گیرد. برای بسیج هرچه گسترده تر توده کارگران باید قادر بود شعارها و مطالبات اقتصادی آنان را بدرستی طرح نمود و با تکیه بر تاجربا شخص خودکارگران این مبارزه را پیش برد. در شرایط کنونی، مهمترین عرصه‌های پیوند میان مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران عبارتند از: جنبش ضد جنگ و روابط آن با شرایط کار بویژه امنیت شغلی، مبارزه علیه سیاست سرکوب و اختناق حاکم بر جامعه و محیط کار، مبارزه برای تدوین قانون کارمترقی، مبارزه علیه بازنس دادن کارخانجات ملی شده به بخش خصوصی، مبارزه با سیاستهای ضد دموکراتیک رژیم در تعلق و نیهای مصرف و مسکن کارگری و...

هریک از این عرصه‌ها زمینه‌ایست برای بسیج توده‌ای کارگران و ارتقاء سطح مبارزاتی آنان. مثلا توده کارگران در مبارزات خود برای حل مشکل مسکن، باسانی دور تعاونی مسکن حلقه میزنند، اگر این مبارزه بهمین جا محدود بماند، مبارزه ایست صنفی و کم اثر. اما توده کارگران به یاری پیشروان خود در مبارزه برای حل مشکل مسکن به روابط موجود حاکم بر جامعه پی میبرند، نقش زمینخواران شهری، نقش بورژوازی تجاری و دلالت قدرت در تهبه و توزیع مصالح ساختمانی و مهمتر از همه، رابطه آنها را با دولت بطور مشخص می‌فهمند و می‌بینند که چگونه اهرم‌های حکومتی و ادارات دولتی در خدمت منافع این افسارو طبقات غارتگر است.

همچنین، کارگران در حربان مبارزه توده‌ای مستحکم حول تعاونیهای مصرف، نقش غارتگرانه سرمایه داری تجاری و نظام با زار، شبکه توزیع آن و سیاستهای ضد مردمی رژیم را در این رابطه تجربه میکنند و مجال آنرا می‌یابند که نه تنها با عناصر دزد این یا آن تعاونی، بلکه علیه مجموعه این شبکه غارتگرانه و سیاست حاکم و حاکمیت جمهوری اسلامی مبارزه کنند و این مبارزه را با مبارزه دیگر طبقات و اقشار زحمتکش جامعه پیوند دهند. در عرصه‌های دیگر مبارزه نیز میتوان این رابطه را در حربان مبارزه به توده کارگرانی که حول این یا آن خواست مهم صنفی مشکل میشوند و مبارزه میکنند، نشان داد. اما در میان همه عرصه‌های فوق الذکر، موثرترین و مهمترین حلقه‌ها برای بسیج توده‌ای و مستحکم کارگران در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی

بسیج توده‌ای کارگران در مبارزه علیه جنگ و رژیم جنگ طلب و پیوند این مبارزه با جنبش ضد جنگ دیگر اقشار و طبقات جامعه، بیش از هر چیز با سازماندهی مبارزات صنفی کارگران علیه اخراج و بیگاری ملازمه دارد. توده کارگران این باید بدانند که اولات اخراج و بیگاری مولسو د جامعه سرمایه دار است و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از این قاعده مستثنی نیست. تنها سوسالیم است که این بیماری مزمن را ریشه کن میکند. ثانیا - اقتصاد بحران زده رژیم سرمایه داری آخوندها که در اثر ادامه جنگ دچار ورشکستگی شده است، علت اصلی شدیدیست فشار علیه کارگران و زحمتکشان و گسترش دامنه اخراج و بیگاری کارگران است. مسبب اصلی این وضعیت نیز رژیم جنگ طلب و فاسد مردمی خمینی است. باید با نشان دادن رابطه تنگاتنگ میان شرایط دشوار زندگی کارگران بویژه اخراج و بیگاری وسیع آنها، با سیاست ادامه جنگ رژیم و دفاع آن از منافع سرمایه داران، زمینداران و تجار غارتگر، مبارزه توده‌ای کارگران حول حق کار و امنیت شغلی، با زکشت به کار و تامین بیمه بیگاری را با مبارزه علیه جنگ و رژیم جنگ طلب حاکم پیوند داد. امنیت شغلی، خواست همه کارگران شاغل است، با زکشت به کار خواست همه کارگران اخراجی است و دریافت حق بیمه بیگاری تنها با زکشت به کار مناسب، نیز خواست حداقل توده کارگران اخراجی و بیگار است. در شرایط کنونی بواسطه بحران اقتصادی و ادامه جنگ، اخراج و بیگاری کارگران شاغل را نیز تهدید میکند. و چشم انداز با زکشت به کار را برای کارگران اخراجی نیز تیره میسازد. باید برهما هنگی اتحاد میان کارگران شاغل و اخراجی در مبارزه مشترک علیه اخراج و بیگاری تاکید کرد. با بسنده مبارزه برای جلوگیری از اخراج کارگران در مبارزه برای با زکشت به کار کارگران اخراجی در هر واحد مشخص هما هنگ شوند. اما در شرایط کنونی، با توجه به چشم انداز بحران و جنگ، مهمترین حلقه اتصال میان کارگران شاغل و بیگار و موثرترین شعار برای تقویت این اتحاد و بسیج توده‌ای کارگران علیه اخراج، شعار حق بیمه بیگاری است.

تا مین بیمه بیگاری بمعنای دریافت حق بیمه کافی تا هنگام با زکشت به کار مناسب است. توده‌های وسیع بیگاران را اساسا حول این شعار میتوان بسیج و مستحکم کرد. طرح و اجرای این خواست، مستلزم افشای لایحه بیمه بیگاری رژیم است. توده کارگران بیگار را نمیتوان در شرایطی که با زکشت به کار و در جستجوی کارهای دیگر (نظیر دست فروشی، دکان داری، مسافر - کشی وغیره) براکنده شده اند به آسانی حول شعار با زکشت به کار بسیج کرد. اما کارگران اخراجی شده و بیگاری را که حق بیمه بیگاری دریافت میدارند و هنوز بوسیله این رشته مادی در محیط کار و مراکز دولتی مریوطند، میتوان بسیج کرد و ارتباطشان را با واحدهایشان و سایر کارگران شاغل حفظ و تحکیم کرد. یکی از وظایف مهم هسته‌های مخفی کارگری ما باید کار منظم در میان این بخش از کارگران برای تحکیم پیوند آنها با کارگران شاغل و سازماندهی مبارزات آنها برای با زکشت به کار مناسب، با استفاده از همه امکانات علنی و قانونی از قبیل مراجع به مراکز مربوطه دولتی باشد. در حربان همین مراجعات علنی و قانونی است که هسته کارگری باید امکان حرکتهای دسته جمعی و سازماندهی این حرکتها را با طرح شعارهای مشخص، در نظر گیرد و همواره با این دورنما حرکت کند که هدف تنها دریافت حق بیمه مناسب نیست بلکه فراتر از آن، توضیح رابطه میان باسامانی وضعیت کارگران با سیاستهای ضد کارگری و جنگ طلبانه رژیم و سوق دادن توجه کارگران به ضرورت مبارزه مستحکم علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی است.

توده کارگران بیگار را نمیتوان در شرایطی که با زکشت به کار و در جستجوی کارهای دیگر (نظیر دست فروشی، دکان داری، مسافر - کشی وغیره) براکنده شده اند به آسانی حول شعار با زکشت به کار بسیج کرد. اما کارگران اخراجی شده و بیگاری را که حق بیمه بیگاری دریافت میدارند و هنوز بوسیله این رشته مادی در محیط کار و مراکز دولتی مریوطند، میتوان بسیج کرد و ارتباطشان را با واحدهایشان و سایر کارگران شاغل حفظ و تحکیم کرد. یکی از وظایف مهم هسته‌های مخفی کارگری ما باید کار منظم در میان این بخش از کارگران برای تحکیم پیوند آنها با کارگران شاغل و سازماندهی مبارزات آنها برای با زکشت به کار مناسب، با استفاده از همه امکانات علنی و قانونی از قبیل مراجع به مراکز مربوطه دولتی باشد. در حربان همین مراجعات علنی و قانونی است که هسته کارگری باید امکان حرکتهای دسته جمعی و سازماندهی این حرکتها را با طرح شعارهای مشخص، در نظر گیرد و همواره با این دورنما حرکت کند که هدف تنها دریافت حق بیمه مناسب نیست بلکه فراتر از آن، توضیح رابطه میان باسامانی وضعیت کارگران با سیاستهای ضد کارگری و جنگ طلبانه رژیم و سوق دادن توجه کارگران به ضرورت مبارزه مستحکم علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی است.

عرصه اصلی دیگر در پیوند میان مبارزات صنفی توده‌ای کارگران را مبارزات سیاسی عام عبارتست از مبارزه علیه اختناق پلیسی در کارخانه و جامعه. مهمترین حلقه اتصال میان مبارزه دموکراتیک کارگران در کارخانه و مبارزه برای آزادیهای سیاسی عام، شعار اتحاد لایق انجمن‌های اسلامی است. ما در باره ضرورت و نیز تاثیر سیاسی و بسیج - گرانه این شعار در جنبش توده‌ای کارگری، در

شماره‌های پیشین کار به کرات سخن گفته و تاکید کرده‌ایم که انجمن اسلامی تنها یک نهاد پلیسی و سرکوبگر و جزئی از شبکه اختناق پلیسی حاکم نیست، بلکه در عین حال مظهر ایدئولوژیک ولایت فقیه در محیط کار نیز هست. مبارزه برای انحلال انجمن اسلامی معنایش مبارزه بر چیدن دفتر دستک چند ریشوی مرتجع و فرست طلب از این یا آن واحد نیست، بلکه مهمتر از آن مبارزه ایست بپیگیرانه برای توضیح و افشای ماهیت ضد دموکراتیک، ضد کارگری و عمیقاً ارتجاعی ولایت فقیه برای توده کارگران. عرصه ایست از مبارزه صنفی، سیاسی و اجتماعی ایدئولوژیک علیه تمامی دستگاه حاکم و مزدوران مجسم و شخصیشان در این یا آن واحد.

مخالفان این شعار و این مبارزه در تداوم خود میتوانند به شعار انحلال ساواک خمینی نیز منجر شود. همچنانکه در مهر و آبان ۵۷، شعار انحلال ساواک شاه به فهرست شعارها و مطالبات صنفی و سیاسی طبقه کارگر ایران افزوده شد. توده‌های میلیونی کارگران و زحمتکشان ایران تنها در حربان تجربه مبارزه مشخصان علیه این یا آن ارگان، علیه این یا آن سیاست و در پرتو تبلیغ و ترویج مستمر پیکارها نشان موفق میشوند، مگاتب عالیتر مبارزه را بگذرانند. شعار انحلال انجمن‌های اسلامی - شعار ایست که تنها کارگران بلکه کارکنان و زحمتکشان همه واحدهای و ادارات دولتی، همه مراکز آموزشی و خدماتی و حتی روستاها را نیز در بر میگیرد. لذا بستمترکی را برای پیوند مبارزات کارگران با نیروهای اجتماعی دیگر فراهم می‌آورد. هر نیروی و هر دستاورد کارگری در مبارزه علیه این ارگان میتواند پشتوانه و الگویی برای تقویت مبارزه دیگر اقشار علیه اختناق پلیسی حاکم باشد.

تاکید بر شعار انحلال انجمن‌های اسلامی، امروز از این نظر نیز اهمیت دارد که حکومت کهنه مداخله حویسی‌های انجمن در امور صنفی و اجتماعی کارگران است. این شعار، راه مبارزه برای تامین حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سندیکی و ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی را هموارتر میکند.

در حال کارایی اصلی این شعار در آنست که مبارزه دموکراتیک توده کارگران را در پیوند با مبارزه دیگر اقشار و طبقات، علیه اختناق پلیسی و سرکوب قرار میدهد و راه تعمیق آنرا به مبارزه توده‌ای و متشکل طبقه کارگر برای آزادی، علیه رژیم پلیسی حاکم هموار میکند.

به میدان کشیدن سازمان یافته توده کارگران برای آزادی، حاش اهمیت سیاسی سرنوشت ساز است. موفقیت پیشروان طبقه کارگر در بسیج توده‌ای کارگران بخاطر آزادی، علیه رژیم خمینی، این امکان را بنا می‌دهد که تگذارند بر چرم آزادی بدست نیروهای بورژوازی و نا پیگیر بیفتد.

فعلین و پیشروان کارگری باید در سازماندهی مبارزه توده کارگران علیه اختناق پلیسی در کارخانه و جامعه با شعارهای مشخص، به بسیج توده‌ای کارگران در مقیاس کارخانه ها و واحدهای مشخص همت گمارند و به تبلیغ و افشای کلی سبسته نکنند. در عین حال باید مبارزات دیگر اقشار و طبقات جامعه برای آزادی، علیه رژیم خمینی را به آگاهی توده کارگران برسانند و حمایت کارگران را نسبت به همه رزمندگان آزادی بویژه زندانیان سیاسی برانگیزند. اما در هر حال باید توده کارگران را در واحدها و رشته‌های مختلف حول مطالبات دموکراتیک و طبقاتی آنها سازمان داد.

انچه که گفتیم محورها ی بسیج توده‌ای کارگران حول شعار صلح و آزادی، علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. اما بسیج توده‌ای کارگران تنها با رهنمودها و هدایت سیاسی سازماندهی پیشکاهنگ طبقه کارگر عملی نمی‌تود، بلکه باید سازمانی کارگری نیز برای رهبری مستقیم جنبش توده‌ای طبقه کارگر داشت. بدیهی است که در شرایط حلقان پلیسی نمیتوان اتحادیه‌ای با ساختار و ضوابط دموکراتیک کامل داشت. در چنین شرایطی همچنانکه با رها گفتیم، حلقه اصلی سازمانگری مبارزات صنفی طبقه کارگر، ایجاد هسته‌های مخفی کارگری است. هسته‌ای که در عین حال باید ضمن اتکاء به محفل‌های مورد اعتماد کارگری، از همه امکانات علنی موجود نیز برای هدایت و سازمانگری جنبش کارگری استفاده کند. مختصات اصلی این هسته‌ها، عبارتست از: تلفیق میان کارمخفی

کارگران پیشرو! هسته‌های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

از جهان سوسیالیسم، از احزاب برادر

چین در حرکت است

در ۱۹ دسامبر ۱۹۷۶ هیئتی از رهبران حزب کمونیست اتریش شامل دیوکل حزب، فرانس موری ودوتن از اعضای کمیته مرکزی، هانس اشتراک از بنیاد رنست زهت با شتر از اقامت ده روزه در جمهوری خلق چین بازگشتند. این هیات نمایندگان بنا به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از یک، شانگهای و شهرهای دیگر بازدید بعمل آورده و با دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست چین هویا هووانگ مذاکره نمودند. "مدای ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش مصاحبه جامعی با اعضای هیات نمایندگان انجام داده است که مباحثی را از آن برادر می کنیم:

سؤال: پس از عقب‌گردها و رکود ناشی از "انقلاب فرهنگی" در فاصله زمانی "۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶" هم اکنون در چین علائمی از اصلاحات به چشم می خورد، آیا شما مواردی از آن سراغ دارید؟

موری: در حقیقت برای ما مسجل گردیده است که در چین تغییراتی اساسی بوقوع پیوسته و همچنان ادامه دارد. اصلاحات در زمین اقتصاد، سیاست، روند ساختن دموکراسی سوسیالیستی، گشودن دروازه‌ها بسوی خارج و تغییراتی در سیاست خارجی چین پدید آمده است. رهبران چین تاکید می نمایند که برخی مواقع ابتدا باید آزمائش نمود و چنانچه در جریان عمل نشان داده شود که راه حل دیگری بعنوان راه صحیح به نظر نمی آید، آنگاه باید همین مسیر را ادامه داد.

اصلاحات علیه انحراف فری روی افراطی

آنچنان که هم‌تایان چینی ما اظهار نموده اند، انقلاب فرهنگی نمایی از یک انحراف چپ روی افراطی بوده که در آن مبارزه طبقاتی بعنوان حلقه زنجیر تعیین کننده، یاد شده و ساختن اقتصاد به فراموشی سپرده شده بود. هم‌اکنون به توسعه اقتصادی توجه خاصی مبذول می شود. رفوم اقتصاد از سال ۱۹۷۸ آغاز شده است، آنها دریا فتند که چنانچه تفکراتشان در باره سرمایه داری و در زمینه مسائل اقتصادی روشن نباشد، سوسیالیسم در چین نتواند خودنشانده بیرونی نایل گردد، بعنوان اولین گام در اصلاحات، رفوم در کشاورزی آغاز شده و کمونهای خلقی که در آنها ابزار تولید و همینطور کار، همگانی بودند، با شدت تمام به نقد کشیده شد. در این خصوص سیستم خودگردانی، بکار گرفته شد: زمین و ماشین آلات به مجتمع های اشتراکی تعلق داده و تنگ خانواده های روستایی زمین جهت کار و استفاده از آن در دست ماقتل می نماید. روستایان بخشی از تولیدات را مطابق با قرارداد می کنند که دولت دارند، می توانند به واحدهای اشتراکی دیگر بفرشند و بقیه تولیدات را به دستا قیمتی حدود ۴۰ درصد بالاتر، در بازار آزاد به نمایند. ایستگاه ماشین آلات اشتراکی جهت چنین امری مورد بهره برداری قرار می گیرد.

خودگردانی و ابتکار شخصی

در جریان این اصلاحات، ابتکارات فردی و همچنین عوامل محرک، بطور حقیقی تقویت گردیده اند. درآمد خالص یک خانواده روستایی که در شانگهای آنها را ملاقات کردیم در سال ۱۹۸۶، ۴۰۰۰ یین بوده است که به آن مبلغ درآمد مردم خانواده در یک کارخانه کار می کنند، نیز اضافه می شود. هم‌اکنون خانه شخصی به وفور یافت می شود. همینطور برای اعضای خانواده اشتراکی روستایی امکان داشتن شغل اضافی موجود است و می توانند در جنب منزلشان کارگاه بافندگی داشته باشند، تولید سرانه غلات به ۴۰۰ کیلوگرم در سال رسیده است. بنا بر این چین نیز به واردات غله ندارد. قبلاچین مجبور به وارد نمودن پنبه از خارج بود. در این اواخر آنها حتی پنبه را در می کنند. دو سال است که رفوم در صنعت نیز آغاز گردیده است.

سؤال: مطلبی که هم‌اکنون گفتید چگونه بنظر می آید؟

زهت باشر: این رفوم هنوز در تمام حوزه گسترش نیافته است. بسیاری از آنها هنوز در مرحله آزمایشی

و مطالعاتی می باشند. رفوم بویژه متکی به سیستم برنامهریزی بوده که در آن توجه به قیمت که در رابطه مستقیم با حمایت از واحدهای تولیدی است، در مرکز توجه قرار دارد.

به ما گفته اند که در جریان انقلاب فرهنگی قانون قیمت گذاری اجناس نادیده نگاشته شده و اشتباهها اقتصاد دگالایی را با اقتصاد سرمایه داری یکسان می بنداشتند.

یکی از اهداف رفوم، توسعه اقتصاد دگالایی سوسیالیستی می باشد. احیای ابتکارات در واحدهای تولیدی و در مشاغل آن زمره می باشد. قسمت اعظم واحدهای تولیدی در آن شبه نبرز با بدهیچنان در تسلط دولت قرار داشته باشند.

مورد تازه بویژه آن است که واحدهای تولیدی دیگر، برخلاف سابق باید تنها برای تولید محصول بلکه برای فروش اجناسشان نیز تلاش کنند. بنا بر این واحد تولیدی در فشار است که با تغییرات ضرور در کیفیت، در یافت تولیدی و نظایر آن خود را تطبیق دهد. زمانی که در بازار محصولی مشتری ندارد، باید یک اقدام اقتصادی موثر صورت گیرد و نوع تولید با یکی از نیازهای موجود، شعور و تنبید شود.

هم‌اکنون سهم مهارتها در پرداخت دستمزدها بیشتر شده و به همان نحو نیز کیفیت کار را ارزش تر شده است. سیستم خودگردانی معنای حقیقی تر رفوم را در بر دارد و شامل مدیریت تولید می می شود. در گذشته مدیر واحد تولیدی تحت هدایت کمیته حزب کار می کرد. هم‌اکنون او تنها با مشورت با ارگان کارکنان، که شامل نماینده حزب، نماینده اتحادیه، و نماینده سازمان جوانان و همچنین نمایندگان منتخب می باشد، کار می کند. این ارگان کارمندی را کنترل می نماید. در مورد مسائل بزرگ برنامه ریزی و مقررات، با مشورت نموده و پیشنهادی برای اجرای کار به مدیر می دهد. این کمیسیون ایمن اختیار را در درجه در مواقعی که مدیر پیشنهادی غیر عادی می نماید و او را تعویض نماید.

در مجموع ابتکارات فردی و مشارکت کارکنان در تصمیم گیری ها و توجه آنها به توسعه اقتصادی واحدهای تولیدی بنظر می رسد که افزایش یافته باشد. تولید صنعتی در سالهای اخیر لانه در حدود ۸ درصد رشد داشته است.

۴۰ میلیارد دلار در راه

سؤال: آیا خطر نفوذ وسیع تر سرمایه خارجی به چین همکاران شما و امگبری ها محتمل نمی باشد؟

زهت باشر: در جمهوری خلق چین ۱۴ منطقه است که خارجیان توان فعالیت دارند همتای ما تا کسب نموده شرکت، کارخانه ها یا بصورت مشارکت می باشد. تنها این هدف تعقیب می شود که تکنولوژی و فن مدیریت اقتصاد داخلی، آنها را سریعتر به پیشرفت نایل آورد و پرسنل متخصص تأکید بیشتر، آنچنانکه بتوانند تجارت کسب شده را توسعه انجام دهند، بوجود آورد. و امهای خارجی هم گرفته می شوند که کارخانه های تولیدی مدرن تر در چارچوب بخش دولتی احداث گردد.

برای اینکه بتوانیم از این وضعیت درک بهتری داشته باشیم، به ما موارد زیر یادآوری کردید: تولید واحدهایی که در تملک خارجی هستند فقط در صد ارزش تولیدات جمهوری خلق چین را در بر دارد. در حال حاضر صدی خارجی جمهوری خلق چین ۱۰ میلیارد دلار است یعنی برای هر نفر فقط معادل ۱۰ دلار. در مقایسه با آن صادرات چین ۴۰ میلیارد دلار در سال می باشد. در صورتی که آنها بخواهند همکاری با خارجی را تقویت نمایند، سهم بسیار کمی از رفوم در کل ارزش تولیدی کشور فقط نیاز به افزایش حدود ۲ الی ۳ درصد دارد.

سؤال: در چه موردی رفوم در محدوده سیاسی قرار می گیرد؟

موری: رفوم اقتصادی با یک رفوم سیاسی در پیوند است. چرا که در غیر این صورت می تواند به ترمز راه رفوم اقتصادی مبدل گردد. آنچنان که به ما گفته اند این رفوم بنا ندارد سیستم سوسیالیستی را در گروگن نماید. هم‌تایان چینی ما تا کسب نمودند که این رفوم سیاسی بویژه ۳ هدف را در پیش رو دارد:

به هدف رفوم سیاسی

۱ - کارخلاقا بعد حزب و در میان کارگران و دولت استانیها و تالیلهای یا بیینی صورت میگیرد. کادرهای جوان که علاوه بر آگاهی سیاسی، شناسایی ویژه را نیز دارند را با شناسایی آینه سوسیالیسم برای کار سیاسی - ایدئولوژیک در مورد جوانان در نظر گرفته شده است.

۲ - مبارزه با بوروکراسی، ساده نمودن سازمانهای دولتی جدا سازی مدیران حزب از مدیران دولتی در این مورد مشخص شده است که باید حزب تنها بعنوان نیروی رهبری کننده خطوط اصلی توسعه اقتصاد باشد. آنها اجازه ندارند رندگه خودشان را در مسائل جاری سازمانهای دولتی داخل نمایند.

۳ - پیدای بیشتر ابتکارات فردی کارکنان کشاورزان و روشنفکران با اقدامات متمرکز در دموکراتیک، همچنانکه گفته شده است حزب نیروی رهبری کننده این اقدام می باشد. ۸ حزب دموکراتیک موجود که با حزب کمونیست همکاری می نمایند در چنین موردی عزم مصمم دارند. بنا بر این است که راه سوسیالیستی را بدار حفظ گردد. همچنین آنها دیکتاتور می دانند که در گذشته قدرت دولت سوسیالیستی و بر پایه "مارکسیسم-لنینیسم" و اندیشه های ما نوشته دون" می دانند.

رفوم در داخل کشور، در رابطه با سیاست گشودن دروازه ها به خارج می باشد. آنها می خواهند تنها به تکنولوژی جدید، روشهای مدیریت و نظایر آنها از خارج چنانچه در موردی و سرمایه داری و کشورهای سوسیالیستی کسب نمایند، ولی اجازه ورود ایدئولوژی بیگانه را نمی دهند.

تغییرات در سیاست خارجی

سؤال: در مورد سیاست خارجی در صحبت های پیشان با آنها چه چیزی را توانستید بدستبیین نماید؟

موری: این موضوع در تبادل نظر ما فضای وسیعی را در بر گرفته بود. مهمترین تغییر مثبت در بر خور د چینی ها را در رابطه با مساله جنگ و صلح، برداشت نموده ام. شما توسعه دون که جنگ اجتناب ناپذیر است، هم‌اکنون مرود نگشته است. از نظر آنها خطر جنگ هنوز موجود است اما برای صلح جهانی می توان مبارزه نمود. تحقق واقعی صلح بعنوان مهمترین مساله و هدف سیاست خارجی چین ترسیم می گردد. سیاست چین علیه نظامی کردن فضای کیهان بوده و باطلع سربان المللی در محدوده سلاحهای اتمی و سلاحهای قرار دادی موقت دارد. چینی ها ملاقات گسار با جف در "ریکیا ویکتر" مثبت ارزیابی کرده و معتقدند که مذاکره بهتر از مقابله می باشد. سیاست خارجی در تماس با میهن پرستی و آنتر ناسیونالیسم است. بر استقلال و خودکفایی تا کسب می شود. آنچنان که آنها می گویند به هیچ بلوکی تعلق ندارند. چیزی که "ج" فاصله بسیار با آنها دارد. آمریکا معنای دهد. چین از اهداف اساسی جنبش عدم تعهد پشتیبانی نموده و با نیکارگونه وسایر خلقها و نیروهای که برای آزادی و استقلال خود مبارزه می کنند، آنها را همبستگی می نماید. هنوز اختلاف عقیدتی وجود دارد.

سؤال: خاطرنشان گردیده است که در مورد برخی از سئوالات مواضع متفاوتی هست. از جه لحاظ این مسائل مطرح است؟

اشتا پتر: موقعیتهای مواضع متفاوت بویژه در مورد سیاست بین المللی و موقعیت آن پدیدار می شود با بدبگویم که رفقای چینی با انتقاد از خود اظهار نموده اند که در سالهای انقلاب فرهنگی در جریان سیاست بستن درها به خارج، از ظهور بیشتر فتنه بویژه در کشورهای سرمایه داری پیشرفت آگاهی اندک داشته اند، ولی اکنون به شناسایی بهتر ایمن جنبه های بسیار می دهند.

در صحبت هایمان مایقین یافتیم که آنها شوروی و آمریکا را به یکسان می نگرند. آنها از "هر دو اسپر قدرت" صحبت می نمایند. بنظر می رسد که هم‌تایان چینی ما کمتر به این مساله می نگرند که آنها یک قدرت بزرگ سوسیالیستی را برابریک قدرت بزرگ امپریالیستی می انگارند که نمی توان کاراکتر طبقه آنها را در یک سطح قرار داد. در واقع در یک طرف تلاشها و ابتکارات اتحاد شوروی برای خلق سلاح و تنش زدایی در جهان است و در طرف مقابل دولتی است که تحت نفوذ مجتمع های نظامی - صنعتی که برای سود بیشتر تلاش می کنند قرار دارد و در جهت مسابقه تسلیحاتی و نظامی کردن فضای کیهانسی گام بر می دارند.

وسا رس اتحاد شوروی یک سر نوشت است. آرمانهای اکثر ما را بنام بهروری خلق شوروی، بنام شکوفایی زادگاه سوسیالیسم و صلح، به کار فرما می خوانند. خرد خویش را، راه خویش و آرزوی خویش را در یک مجموعه متحد کنیم. این نیروی شکست ناپذیر را بسوی حل مسائل تازه ای که در برابر ما قرار گرفته است متوجه سازیم. هر آنچه را که در برنامه ریزی ها پیش بینی شده تحقق بخشیم، امر انقلابی اکتبر را با ایستگی دنبال کنیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی



هنر و ادبیات مردمی

در ستایش دیالکتیک

بسیادگری، این زمان باگامی مطمئن به پیش میروند
شمران، خود را برای قرن ها فرما نروایی، تجهیز میکنند.
زور، جارمی زند؛ چنین که هست، می ماند.
جز عریده فرما نروایان غارتگر، صدایی طنین افکن نیست.
دربا زارها، استشار بانگ می زند: "اینک تازه من، آغا زکرده ام".
از استشار شدگان، اکنون بسیاری می گویند:

"آنچه ما میخواهیم، هیچگاه
شدنی نیست".

اگر زنده ای، هرگز مگو "هرگز".
هیچ یقینی را یقین نینداز، آنچه هست، نمی ماند.
پس از شمران، استمدیدگان سخن خواهند گفت
چه کسی را برای آنست که بگوید "هرگز"؟
از کیست که ستم دوام می یابد؟ از ما.
از کیست که ستم نابود می شود؟ باز هم از ما.
اگر از پای افتاده ای، برخیز
اگر شکست خورده ای، باز بجنگ.
آنکس که جایگاهش را شناخت، چگونه میتوان بازش داشت؟
چرا که شکست خوردگان امروز، فاتحان فردایند
و "هرگز" به "همین امروز" بدل میشود.

در ستایش امری خشن

بیا موز، ساده ترین چیزها را

برای آنان که بخوانند بیاموزند، هرگز دیر نیست
الفبا را یاد بگیر، کافی نیست، اما بیا موز، مگذار دلسردت کنند.
دست بکار شو، توباید همه چیز را بدانی، توباید رهبری را در دست گیری.
ای آنکه در تبعیدی یاد بگیر، ای آنکه در زندانی، یاد بگیر
ای زنی که در خانه نشسته ای یاد بگیر
ای پیر شصت ساله یاد بگیر
توباید رهبری را بدست گیری.
ای آنکه بی خانمانی، در پی درس و مدرسه باش
ای آنکه از سرما میلرزی، چیزی بیا موز
ای آنکه گرسنگی می کشی، کتا بی بدست گیر، این خود سلاحی است.
توباید رهبری را بدست گیری.
ای دوست، از پرسیدن شرم مکن، مگذار به زور پذیرنده کنند،
خود به دنبالش بگرد، آنچه را که نیا موخته ای
صورت حساب را خودت جمع بزن، تویی که آنرا می پردازی.
روی هر رقمی انگشت بگذار، و بپرس: این از کجا آمده است.
تو باید رهبری را بدست گیری.

تغییر روش کار

برتولت برشت، نویسنده و شاعر بزرگ آلمانی، بدون تردید بزرگترین درام نویس قرن حاضر است. برشت قطع نظر از تجربه دستی و توانایی عجایب انگیزش در درام نویسی و شعربه فلسفه علمی و دیا لکتیک ماتریالیستی نیز، حاطه داشت، آنچنانکه بسبب سبب از ما حینظرا نورا استاد دیا لکتیک نیز نامیده اند. در اینجا ترجمه دو شعر و دو قطعه فلسفی از برشت را نقل می کنیم:

متنی حکایت می کرد: سه مرد از سرزمین "سو" با سه تن از کشور "گا" می جنگیدند. پس از نبرد پیروان "سو" از مردان "سو" کشته شدند. از جنگجویان کشور "گا" یکی به سختی و دیگری کمی زخمی شده بود.
در چنین وضعی، تنها مرد زنده "سو" با سه فرزندش، شکست "سو" قطعی بنظر می رسید. اما فرار مرد "سو" ناگهان همه چیز را عوض کرد. حریف او از کشور "گا" به تعقیبش شتافت ولی تنها، چون با رانش زخمی بودند. در این حال جنگجوی "سو" یک نفر را که تنها بود در برابر خود داشت، او را ز پای در آورده و بیدار کرد. حریف او دو حریف زخمی رفت و بدون زحمت زیاد آنها را هم ز پای در آورده. این رزمنده، درگ کرده بود که فرار، همیشه نشانه شکست نیست بلکه ممکنست وسیله پیروزی هم باشد. متنی افزود که: روش جنگجوی سرزمین "سو" را باید دیا لکتیکی نامید زیرا او درک کرده که دشمن از جنبه خاصی نا هما هنگ است. هر سه آنها البته هنوز می توانستند بجنگند، اما تنها یکی از آنها می توانست بدون شتاب، بهتر بشود گفت که نیروی جنگنده دشمن کاملاً بود ولی نیروی دونه آن ثلث می شد. درک این نکته، تجزیه نیروی دشمن و غلبه بر مجموعه آنها ممکن می کرد.

شکستن سنت

ریا فیدانی بنام "تا" برای شاگردانش شکل بسیار نامنتظمی ترسیم کرد: ز آنها خواست که مساحت آنرا حساب کنند. شاگردان، شکل را به مثلث ها، مربع ها، راست گوشه ها و دایره برآشکالی که سطحی قابل مساحت محاسبه دارند تقسیم کردند، ولی هیچیک از آنها نتوانست مساحت دقیق شکل مذکور را تعیین کند. آنگاه استاد یک قیچی بدست گرفت و شکل نامنتظم را برید و از بیرون آورد و در کفه ترازویی گذاشت و وزن کرد. در کفه دیگر ترازو، مسطیلی گذاشت که قابل محاسبه بود و از آن قطعه قطعه برید تا ترازو به تعادل درآمد.
متنی گفت: استاد، بیرونی لکتیک بوده است چون که برخلاف شاگردانش که شکل را با شکل می سنجیدند، شکل مورد محاسبه را به مثابه کفه ای دارای وزن، بکار گرفت و با این ترتیب مسا له را چون مسا له ای واقعی حل کرد، بدون آنکه خود را گرفتار قواعد معمول و کلیشهای کند.

چشم انداز نوید بخش ... بقیه از صفحه ۱۱

فلسطین قطعنا به شماره ۲۴۴ سازمان ملل متحد را تقویا ردمی کند و آنرا برای حل مساله فلسطین بی فایده اعلام می نماید. همچنین قطعنا به توسل به راه حلهای جداگانه و انفرادی بر اساس طرح کمپ دیوید و طرح ریگان مبنی بر تقسیم وظایف را مردود شمرد و توسل به قرارهای سیاسی سران کشورهای عرب در اجلاس سال ۱۹۸۲ آنها در قبال اجلاس فوق العاده سران در سال ۱۹۸۵ را مردود تا کیست قرارداد.

در این قطعنا آمده است که: شورای ملی فلسطین تشکیل اجلاس بین المللی برای حل مساله فلسطین زیر نظر سازمان ملل متحد و با شرکت ۵ عضو دائمی شورای امنیت، با حضور سازمان آزادیبخش فلسطین به مثابه نماینده قانونی خلق فلسطین و متساوی الحاق با سایر طرفهای درگیر را مردود تا کیست

قبل بخصوصی قرارهای اجلاس شانزدهم شورای ملی فلسطین تنظیم نماید.

قطعنا به مورد بحث خواهان قطع فوری جنگ ایران عراق، جلوگیری از خونریزی و کشتار مردم دو کشور و پذیرش مذاکره برای حل اختلافات و دستا بی به صلح گردید.

هیجدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین در قطعنا به با بانی خویش همبستگی رزمجویانه خود را با بلوک سوسیالیسم و در اس آن اتحاد شوروی، جنبش های رها بی بخش ملی در سراسر جهان و مبارزه همه خلقها علیه نژادپرستی و امپریالیسم اعلام نموده و تا کید کرد که خلق فلسطین همراه با همه خلقهای جهان در راه خلع هسته ای، در راه صلح جهانی و جلوگیری از تسلیم هسته ای اسرائیل که خطر آن صلح در منطقه و جهان را تهدید می کند، مبارزه می نماید.

قراری دهد و در راه تشکیل آن می کوشد. قطعنا به مورد بحث، بر یکبارگی و وحدت همه نیروها و سازمانهای فلسطینی، در سرزمینهای اشغالی تحت رهبری ساف و سازماندهی اردوگاههای فلسطینی در لبنان برای دفاع از خود، پایبندی به حقوق خلق فلسطین در حضور آزادانه سیاسی و نظامی در لبنان و در هرگونه طرح مربوط به خلع سلاح فلسطینیان در این کشور، تا کید نموده با مبارزات مردم و نیروهای ملی و مترقی لبنان علیه دسائس صهیونیستها در جنوب لبنان را از همبستگی کرد. شورای ملی فلسطین در قطعنا به خود بر کوشش جهت دستیابی به روابطی محترمانه و متقابل و همکار ریهای مبارزاتی با سوریه تاکید کرد. در این قطعنا به روابط برادرانه بین خلقهای فلسطین و اردن مورد تاکید قرار گرفت و کمیته اجرا به ساف موظف شد تا روابط بین سازمان آزادیبخش فلسطین و حکومت مصر را بر اساس قرارهای مصوبه در دوره های

سیمای کودکان در جمهوری اسلامی

اولین (۱۱ خرداد) بیسیج افکار عمومی جهان برای مبارزه در راه دفاع از حقوق کودکان، حمایت آنان از خطر جنگ و نجات آنها از جنگ...

دارای بر نونهالان می گذرد، کودکان در کشورهای سوسیالیستی "طبقه ممتاز" محسوب می شوند و از اینرو سهم مهمی از بودجه این کشورها به تغذیه، حفظ سلامتی، آموزش و پرورش کودکان اختصاص دارد...

اقتصاد جنگی گلوئی شیرخواران را می فشارد، سهم شیرخواران در حکومت آفریقا هر ۱۵ روز ۳ قوطی شیرخشک است، آنهم اگر در داروخانه های یافت شود...

بسیج دانش آموزان برای قربانی شدن در صحنه ها بخش ثابت سیاست جنگی رژیم را تشکیل می دهد. وزیر آموزش و پرورش در ماه ۲۴ مه ۱۹۷۸ غیر روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرد: حدود ۵۷ در صد از دانش آموزان سیجی در صحنه های نبرد دانش آموزان در پیشانی تشکیل می دهند...

از سرنا چاری تحقیر و توهین را تحمل نمی کنند. سرگذشت دلخراش زهرا و فاطمه برائیان، دو دختر قالیباف ۸ و ۱۰ ساله که در کربلا ۷ بهمن ۶۵ به جاپ رسیده است، سرگذشت زندگی دینا هزار کودک کارگر ایرانی است که با خون سرانگشتهای زهری پود، گلپای قالی را نقش می زند...

ایرانی، در آئین زندگی کودکان به تمام مسمی منعکس می شود. کمبود گرانی سرام آورکوشت، میوه و سایر مواد غذایی ضروری، کودکان را این مواد را از غذا قل یک تغذیه سالم محروم کرده است...

اتحاد شوروی خواهان قطع پیدرتگ جنگ شد

جامعه کشورهای عرب کمیته ای مرکب از چند تن از وزرای خارجه این کشورها را مامور کرده است که به تلاش گسترده ای برای قطع جنگ ایران و عراق دست بزنند...

کودکان را باید ماه گذشته صورت گرفت. آن دره گرومیگوس در هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، ضمن تأیید تلاشهای هیات مزبور اعلام مجدد مواضع شوروی مبنی بر قطع پیدرتگ جنگ اظهار داشت...

لجاجت جنون آمیز رژیم در ادامه جنگ که صعب فلابت و مصیبت مردم میهن و تنبای کشور شده است، امنیت منطقه را نیز به مخاطره انداخته و احتمال دیگری از دیگر کشورهای عربی منطقه را در این جنگ کشف افزایش داده است...

تنش فزاینده رژیم در خلیج فارس و عدم وجود امنیت برای فعالیت متعارف کشتیهای دریایی آن، برخی از کشورهای این منطقه را آداشته است که به تمهیدات ویژه و فوق العاده ای دست بزنند...

دورزندم زیبا له را برای یافتن خوراکی می کاوند. فشاگر سنگی دریا راه ای مواردی شیدا است که به اعتداف آخوند در مستعجلی و دیگر مریجان، کودکان در برخی از روستا های سیستان و اطراف شهر گردید...

در محلات زحمتکش نشین، حاشیه شهرها و روستاها از بهداشت خبری نیست و کمبود مکانات پزشکی غنچه های ماران تکفته پر پرمی کند... این مکانات بطور عمده در تهران و در مراکز بعضی از استانهای بزرگ کشور متمرکزند...

اکثریت کودکان ما از مکانات آموزش پیش از دبستان محرومند. آنها مکانی جزبای در کوجه و خیابان ندارند... ۱۰ میلیون کودک زیر ۱۲ سال ایرانی تنها ۷۷۷۴ نفر به کودکان می روند...

بیاد روزیه

۲۱ رده بیشت، سالروزها هت خسروزیه، فرزند خلق، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، کمونیست قهرمان، نثرنا سیونا لیست ومیهن پرست پرشور، گرامی باد...

خسروزیه مظهر عشق و وفا داری به آرمان حزب خود و توده های محروم بود، او در تیره شب استبداد دیکتاتور و مشغلی زجان برافروخت و با چیرگی بر مرگ، جاودانه شد، زندگی و مبارزه او لها مبحث مبارزه انقلابی هزاران رزمنده زاده، میهن پرست و کمونیست بوده، هست و خواهد بود...

گرامی باد یادش، خجسته باد نامش بخشی از منظومه "خون بلبل" سروده ها، سایه به یاد گرفتند و بر دند و آویختند...

چه خونها که هر صبح دم ریختند گل ارغوان تو بر خاک ریخت

پرستو از این بام ویران ریخت

تگرگ از درختان فروریخت بر ک

در ورکورد این کشته راداس مرگ

نگر تا شب تیره چون سوختیم

فرو برده در سینه خویش جنگ

کلی نوبر آورده خورشید رنگ

اگر خون بلبل نجوشد به باغ

بهار گل تازه را یساده

ز سو کهن، خسروزیه

و فانا بر سر بردتا پای دار

گذشت از سوختم نشد گودش

سرافکنندگی مانند باد دشمنش

کسی را بدین مایه از زندگی است

که مرگش گشاینده زندگی است

کجا از گل سرخ گیری سراغ

بهار گل تازه را یساده

ز سو کهن، خسروزیه

و فانا بر سر بردتا پای دار

گذشت از سوختم نشد گودش

سرافکنندگی مانند باد دشمنش

کسی را بدین مایه از زندگی است

که مرگش گشاینده زندگی است

کجا از گل سرخ گیری سراغ

بهار گل تازه را یساده

ز سو کهن، خسروزیه

و فانا بر سر بردتا پای دار

گذشت از سوختم نشد گودش

سرافکنندگی مانند باد دشمنش

کسی را بدین مایه از زندگی است

که مرگش گشاینده زندگی است

کجا از گل سرخ گیری سراغ

بهار گل تازه را یساده

ز سو کهن، خسروزیه

و فانا بر سر بردتا پای دار

گذشت از سوختم نشد گودش

سرافکنندگی مانند باد دشمنش

کسی را بدین مایه از زندگی است

که مرگش گشاینده زندگی است

کجا از گل سرخ گیری سراغ

بهار گل تازه را یساده

ز سو کهن، خسروزیه

و فانا بر سر بردتا پای دار

آدرس: PI-10 1091 WIEN AUSTRIA حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701-450 DR. GERTRAUD ARTNER

امنیت منطقه و جهان از هر اقدام و فعالیت صلح خواهانه ای که از جانب کشورها، محافل و مجامع بین المللی در جهت راهگشایی برای پایان جنگ صورت می گیرد، قاطعانه پشتیبانی می کنند.

های تولیدی مهد کودک وجود ندارد و برخی از مادران کارگر مجبورند با کودکان خود در کارخانه ها بمانند. آنها برای آموزش ایران جوا بگویی تا مین آموزش کودکان لازم التحصیل نیست، شهریه های گزاف و نیاز به کار برای کمک به اکتفا دعا خواهد، بسیاری از کودکان را حتی از آموزش دبستان محروم میکنند...

واقعیات فوق هنوز سیمای کامل زندگی کودک ایرانی را تصویر نمی کند. کودکان ما قربانیان جنگ، اقتصاد دویران، فقر و سیه روزی با خرافه پروری و علم ستیزی رژیم خمینی هستند، تصور اینست که در دناک کودکانی که با رنجوری و ناتوانی در فضای محرومیت از مکان بهداشت، درمان، تغذیه و تحصیل با رمی آیند، و با در فضای تبلیغ جنگ و آموزشهای مذهبی عهد عتیق تربیت می شوند، انگیزه بزرگ دیگری برای پدران و مادران ایرانی در مبارزه با خطر سرنگونی جمهوری اسلامی است...

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!